

خدمات علمی جابر بن یزید جعفی

به اسلام و شیعه

دکتر محمود کریمی / سعید طاوسی مسرور

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق علیه السلام / کارشناسی ارشد تاریخ تشیع

چکیده

ابومحمد جابر بن یزید جعفی کوفی (حدود ۵۰-۱۲۸ ق) از تابعان و از اصحاب نامدار و مورد وثوق امام باقر و امام صادق علیهما السلام است. او در اواخر دوره اموی، یک مرجع عمده درباره علوم دینی زمانش به شمار می‌رفت. عمده فعالیت‌های علمی این عالم برجسته شیعی و شاگرد مکتب اهل بیت علیهم السلام در شاخه‌های تفسیر، حدیث، تاریخ، فقه و کلام بوده، از آن جا که شاگردان نامداری از شیعه و سنی داشته است، سهم فراوانی در توسعه این علوم در بین عامه مسلمانان و به خصوص شیعیان امامی داشته است.

کلیدواژه‌ها: جابر بن یزید جعفی، صادقین علیهما السلام، شیعه امامیه، تفسیر، حدیث،

تاریخ، فقه، کلام، کوفه، اهل تسنن.

مقدمه

ابومحمد جابر بن یزید جعفری کوفی (م ۱۲۸ ق) از اصحاب نامدار امام باقر و امام صادق علیهما السلام است (بخاری، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۲۱۰-۲۱۱ / طوسی، ۱۴۱۵ ق، ص ۱۲۹ و ۱۷۶ / تستری، ۱۴۱۸ ق، ج ۲، ص ۵۴۳).

از پدر و مادر و تاریخ ولادت جابر جعفری اطلاع دقیقی در دست نیست. در روایتی منقول از وی، به جوان‌بودنش در نخستین دیدار با امام باقر علیه السلام، در زمان امامت ایشان (۹۴-۱۱۴ ق) تصریح شده است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۴۷۲ / کشی، ۱۳۴۸، ص ۱۹۲-۱۹۳)؛ اما این گزارش با روایت کردن وی از صحابه‌ای چون جابر بن عبدالله انصاری (م ۷۹ ق) و اکابر تابعان سازگار نیست؛ از این رو احتمالاً ولادت او در حدود سال ۵۰ بوده است (موحد ابطحی، ۱۴۱۷ ق، ج ۵، ص ۴۵-۴۷).

او اهل کوفه بود و به احتمال فراوان در سراسر عمر خویش، به جز مدت هجده سال (بین سال‌های ۹۴-۱۱۴ ق) که برای کسب علم از امام باقر علیه السلام در مدینه اقامت نمود، در کوفه می‌زیست و در این شهر نیز درگذشت (قرطبی، ۱۳۸۷، ج ۱۱، ص ۶۴۶ / ابن حبان، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۲۰۸ / طوسی، ۱۴۱۴ ق، ص ۲۹۶).

روایات جابر به روشنی نشان می‌دهد وی شیعه امامی بوده و نه تنها علاقه فراوانی به اهل بیت علیهم السلام داشته است،* بلکه از خلفای پیش از امام علی علیه السلام و بنی‌امیه نیز تبری جسته است.** بعضی از معاصران سنی او، به شیعه بودن وی

* برای نمونه ر.ک به: حضرمی، ۱۴۰۵ ق، ص ۶۵-۶۰ / صفار، ۱۴۰۴ ق، صص ۶۹، ۹۵ و ۱۱۰ / ابن عساکر، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۴، ص ۱۷۰ و ج ۴۲، ص ۲۴۲.

عامه و خاصه روایاتی از او در باب وجوب صلوات بر پیامبر و خاندانش در هر نماز واجب، نقل کرده‌اند (ر.ک به: نیشابوری کرابیسی، ۱۴۰۵ ق، ص ۱۰۸ / ابن عبدالبر، ۱۳۸۷ ق، ج ۱۶، ص ۱۹۵ / طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۳۷۳).

** برای نمونه ر.ک به: عیاشی، [بی‌تا]، ج ۲، صص ۵۰ و ۸۴ / دیلمی، ۱۴۱۲ ق، ج ۲، ص ۳۸۴-۳۹۱. از وی روایتی درباره لعن بر بنی‌امیه پس از هر نماز واجب، نقل شده است (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۲، صص ۱۰۹ و ۳۲۱).

تصریح کرده‌اند (کشی، ۱۳۴۸، ص ۱۹۵). برخی از بزرگان اهل تسنن نیز او را از بزرگ‌ترین علما و رؤسای شیعه برشمرده‌اند (شمس‌الدین ذهبی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۲۸۸ / محمدحسین ذهبی، ۱۳۹۶ ق، ج ۲، ص ۳۸).

اگرچه در میان رجالیان شیعه، نجاشی (۱۴۱۶ ق، ص ۱۲۸) و به پیروی از او ابن داوود حلی (۱۳۹۲ ق، صص ۶۱ و ۲۹۹)، جابر جعفی را تضعیف کرده‌اند، اما در عوض ابن غضائری با آنکه بیشتر به جرح راویان پرداخته، جابر را ثقه دانسته است (حلی، ۱۴۱۷ ق، ص ۹۴ / حائری، ۱۴۱۶ ق، ج ۲، ص ۲۱۸).

با وجود این اختلافات در مورد وثاقت و عدم وثاقت وی، رجالیان متأخر امامی عموماً در صدد توثیق وی برآمده و روایاتی که در نکوهش او وارد شده، توجیه کرده‌اند (برای نمونه رک به: حر عاملی، ۱۳۸۵، ص ۷۵ / مجلسی، ۱۴۲۰ ق، ص ۴۲ / نوری، ۱۴۱۶ ق، ج ۴، صص ۱۹۷ و ۲۱۸). مامقانی [بی‌تا] ج ۱، ص ۲۰۳-۲۰۴ و خوئی (۱۴۱۳ ق، ج ۴، صص ۳۴۴-۳۴۵) تنها به توثیق وی اکتفا نکرده، درباره او می‌نویسند: آنچه از مجموع اخبار مستفاد می‌شود، این است که این مرد در نهایت جلالت بوده، نزد صادقین علیهم‌السلام منزلتی عظیم داشته است؛ بلکه او محرم اسرار آن دو بزرگوار و مورد الطاف خاص و عنایت مخصوص ایشان بوده است.

گفتنی است اگرچه غالب رجالیان اهل تسنن او را تضعیف کرده، روایاتش را بی‌اعتبار دانسته‌اند (برای نمونه رک به: عقیلی، ۱۴۱۸ ق، ج ۱، ص ۱۹۱-۱۹۶ / ابن حبان، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۲۰۸-۲۰۹ / ابن عدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲، ص ۱۱۳-۱۲۰)، اما شخصیت‌های نامداری چون سفیان ثوری، شعبه بن حجاج، وکیع و زهیر بن معاویه او را توثیق نموده، به صدق وی گواهی داده‌اند (ابن ابی‌حاتم رازی، [بی‌تا]، «الف»، ج ۲، ص ۴۹۷-۴۹۸ / شمس‌الدین ذهبی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۷۹). ظاهراً مبنای آن دسته از رجالیان سنی که او را جرح کرده‌اند، چیزی جز شیعه‌بودن وی و اعتقاداتی

چون رجعت، انتقال علم رسول‌الله ﷺ به ائمه اطهار علیهم‌السلام و تولی و تبری نبوده است (مسلم نیشابوری، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۱۵ / فسوی، ۱۴۰۱ ق، ج ۲، صفحه ۷۱۶ / شمس‌الدین ذهبی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۸۱).

جابر بن یزید جعفی از تابعان بوده (طوسی، ۱۴۱۵ ق، ص ۱۷۶). از برخی اصحاب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، عمدتاً از ابوطیفیل عامر بن وائله لیبی (برای نمونه ر.ک به: طبرانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۴، ص ۱۷۸ / نعمانی، ۱۴۲۲ ق، ص ۲۷۶) و جابر بن عبدالله انصاری (برای نمونه ر.ک به: صدوق، ۱۴۰۴ ق، ج ۴، ص ۴۴۵ / خزاز قمی، ۱۴۰۱ ق، ص ۶۶-۶۷) روایت کرده است. او از مشایخ بسیاری حدیث شنید، اما بیشتر دانش خویش را از امام باقر علیه‌السلام در مدینه دریافت کرده است؛ چنان‌که خود گفته است: مدت هجده سال شاگرد آن امام بوده و سپس مدینه را ترک کرده، به کوفه بازگشته است. البته از بعضی گزارش‌ها چنین فهمیده می‌شود که او پس از بازگشت به کوفه، در ایام حج نیز به حضور امام علیه‌السلام شرفیاب می‌شد (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۳۹۶-۳۹۷ / طوسی، ۱۴۱۴ ق، ص ۲۹۶).

او از امام صادق علیه‌السلام نیز احادیثی روایت کرده است (برای نمونه ر.ک به: کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۷۱-۲۷۲ / صدوق، ۱۴۰۴ ق، ج ۳، ص ۸۳)، اما این روایات در مقایسه با روایات منقول از امام باقر علیه‌السلام بسیار اندک است. از آن جا که جابر در زمان امامت امام ششم علیه‌السلام در کوفه مقیم بوده، احتمالاً برای شنیدن حدیث از آن حضرت، برخی اوقات - مثلاً ایام حج - به مدینه مسافرت می‌کرده است (صفری، ۱۳۸۴، ج ۹، ص ۱۸۳ / عقیقی بخشایشی، ۱۳۸۱، ج ۸، ص ۱۰۵۵).

جابر بن یزید به امامت امام باقر علیه‌السلام اعتقاد راسخی داشت. وی از آن حضرت، با عنوان «سیدنا الامام» یاد کرده، امام علیه‌السلام را دریایی دانسته است که

هرگز نمی‌توان به قعر آن دست یافت (طوسی، ۱۴۱۴ ق، ص ۲۹۶). او هنگام نقل حدیث از ایشان چنین می‌گفته است: «شنیدم از وصی اوصیا و وارث علم انبیا* محمد بن علی بن الحسین» (کشی، ۱۳۴۸ ق، ص ۱۹۲). رابطه وی با امام باقر علیه السلام چنان بود که برخی، او را نماینده امام علیه السلام در کوفه معرفی کرده‌اند (لالانی، ۱۳۸۱، ص ۱۴۸). ابن شعبه حرّانی، دو وصیت از امام باقر علیه السلام به جابر جعفی را نقل کرده که نشان‌دهنده جایگاه والای او نزد امام علیه السلام است (حرّانی، ۱۴۰۴ ق، ص ۲۸۴-۲۸۷). از امام صادق علیه السلام نیز روایتی صحیح در مدح او نقل شده است (کشی، ۱۳۴۸ ق، ص ۱۹۱-۱۹۲ / تجلیل تبریزی، [بی‌تا]، ص ۲۵).

به غیر از صادقین علیهم السلام، برخی از مشهورترین مشایخ جابر (برای مطالعه فهرست مشایخ جابر ر.ک به: مزی، ۱۴۰۸ ق، ج ۴، ص ۴۶۶) عبارتند از: مجاهد بن جبر، عطاء بن ابی رباح و عامر بن سراحیل شعبی. برخی از مهم‌ترین شاگردان و راویان احادیث او (برای مطالعه فهرست راویان احادیث وی ر.ک به: همان، ص ۴۶۶-۴۶۷ / اردبیلی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۱۴۶-۱۴۴) نیز عبارتند از: سفیان ثوری، شعبه بن حجاج و عمرو بن شمیر جعفی.

جابر جعفی از دانشمندان برجسته مسلمان است و مرجعیت علمی او، مطلبی است که حتی مخالفان سرسخت وی نیز بدان اقرار کرده‌اند. هرچند شمس‌الدین ذهبی (۱۴۰۷ ق، ج ۸، ص ۵۹) و صفدی (۱۴۲۰ ق، ج ۱۱، ص ۲۵)، او را ضعیف و رافضی خوانده‌اند، اما از وی به «معدن و منبع علم» و «مرجع علمی» تعبیر کرده‌اند. او در کوفه از جایگاه علمی والایی برخوردار بود؛ شیعه و سنی از او

* وصی الاوصیاء و وارث علم الانبیاء، همان تعبیری است که پیش از جابر، مالک اشتر آن را در مورد امیرالمؤمنین علی علیه السلام به کار برد (یعقوبی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۱۷۹).

روایت می‌کردند و علما با گرایش‌های گوناگون و متفاوت، از او کسب علم می‌نمودند (سبحانی، ۱۴۲۰ ق، ج ۱، ص ۳۰۷). او در اواخر دوره اموی، مرجع عمده علوم دینی زمانش به شمار می‌رفت؛ به طوری که بسیاری از دانشمندان معروف اوایل دوره عباسی، نزد وی شاگردی کرده، از او به عنوان راوی قابل اعتماد و دانشمند، روایت حدیث می‌کردند؛ حتی اگر با عقاید شیعی او موافق نبودند (Modarressi, 2003, 1, p. 86 - 87).

عمده فعالیت‌های علمی این عالم برجسته شیعی و شاگرد مکتب اهل بیت علیهم‌السلام در شاخه‌های تفسیر، حدیث، تاریخ، فقه و کلام بوده و از آن جا که شاگردان نامداری از شیعه و سنی داشته، سهم فراوانی در توسعه این علوم در بین عامه مسلمانان و به‌خصوص شیعیان امامی داشته است. در این مقاله تلاش شده است خدمات علمی جابر جعفری در شاخه‌های علمی مذکور، به تفکیک بیان گردد.

تفسیر

او از اعلام و پیشوایان تفسیر، در میان تابعان است (صدر، ۱۳۷۵، ص ۳۲۶ / معرفت، ۱۴۱۸ ق، ج ۱، ص ۳۲۱) و روایات و آرای تفسیری وی در کتب تفسیری شیعه و سنی نقل شده است. جابر بن یزید، تفسیر را مانند سایر علوم از امام باقر علیه‌السلام اخذ کرده است (بابایی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۳۱ / عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۷۹)، اما علاوه بر امام علیه‌السلام، برخی دیگر از مشایخ وی نیز در شمار مفسران هستند و جابر در تفسیر به آنان نیز متکی بوده است؛ افرادی چون مجاهد بن جبر، عکرمه مولی ابن عباس، عطاء بن ابی رباح، عامر شعبی و طاووس بن کئسان یمانی (محمدحسین

ذهبی، ۱۳۹۶، ج ۱، صص ۱۱۴-۱۰۴ و ۱۲۱-۱۲۴).*

سفیان ثوری از شاگردان نامدار جابر، مفسر بوده و در تفسیر برخی آیات به آرای تفسیری جابر جعفی، استناد کرده است (ثوری، ۱۴۰۳، ق، صص ۱۰۲-۱۰۳، ۱۲۷ و ۱۳۳-۱۳۵). شاگرد دیگر جابر، مُتَخَلِّ بن جَمیل اسدی رَقّی نیز، کتاب تفسیر داشته که آن را محمد بن سینان روایت کرده است. روایات این تفسیر بیشتر باطنی و تأویل‌گرا و تقریباً تمامی آنها از جابر جعفی بوده، امروزه تنها روایات پراکنده‌ای از آن بر جای مانده است (نجاشی، ۱۴۱۶، ق، ص ۴۲۱ / Modarressi, 2003, 1, p 351 - 35).

به غیر از سفیان ثوری و منخل بن جمیل، آرای تفسیری جابر توسط دیگر شاگردانش، مانند شَرِیک بن عبدالله، اسرائیل بن یونس، عمرو بن شمر جعفی و دیگران انتشار یافت (ر.ک به: مجاهد بن جبر، [بی‌تا]، ج ۱، صص ۳۸۸-۳۸۹ و ج ۲، ص ۷۰۴ / ابن ابی حاتم رازی، [بی‌تا]، «ب»، ج ۱، ص ۲۰۸ و ج ۳، ص ۱۰۰۳ / فرات کوفی، ۱۴۱۰، ق، صص ۳۲۹ و ۵۸۳-۵۸۴ / طبری، ۱۴۱۵، ق، ج ۲، ص ۶۴، ج ۱۶، ص ۱۸۰، ج ۱۷، ص ۸، ج ۲۶، ص ۴۳، ج ۲۷، ص ۲۴۱ و ج ۳۰، ص ۴۰۴).

* نام طاووس یمانی را در این میان، از آن رو ذکر کردیم که او از مشایخ جابر جعفی و مفسر بوده و ممکن است بر جابر و آرای تفسیری وی مؤثر بوده باشد؛ زیرا بر خلاف دیگر مشایخ جابر در تفسیر، در منابع به روایتی تفسیری از طاووس به نقل از جابر، دست نیافتیم؛ برای نمونه، برای مطالعه روایات تفسیری وی از امام باقر علیه السلام ر.ک به: ثوری، ۱۴۰۳، ق، ص ۱۲۷ / کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۵۰۷ / برای روایات تفسیری وی از مجاهد ر.ک به: صنعانی، ۱۴۱۰، ق، ج ۳، صص ۳۴، ۱۳۵ و ۲۹۱. برای مطالعه روایات تفسیری وی از عکرمه ر.ک به: مجاهد بن جبر، [بی‌تا]، ج ۲، صص ۶۹۱، ۶۹۸-۶۹۷ و ۷۰۴. برای مطالعه روایات تفسیری وی از عطاء ر.ک به: ابن ابی حاتم رازی، [بی‌تا]، «ب»، ج ۳، ص ۷۱۲ / جصاص، ۱۴۱۵، ق، ج ۳، ص ۳۱۵. برای مطالعه روایات تفسیری وی از شعبی ر.ک به: مجاهد بن جبر، [بی‌تا]، ج ۲، صص ۷۰۱ و ۷۲۰ / ثوری، ۱۴۰۳، ق، ص ۱۰۲-۱۰۳).

طوسی (۱۴۱۷ ق، ص ۹۵) و نجاشی (۱۴۱۶ ق، ص ۱۲۹) از تفسیر جابر یاد کرده‌اند. با توجه به طرق طوسی و نجاشی به تفسیر جابر، مشخص می‌شود که این تفسیر را منخل بن جمیل، عبدالله بن محمد جعفی و عمرو بن شمر جعفی روایت کرده‌اند که هر سه نفر را نجاشی، تضعیف کرده است (۱۴۱۶ ق، ص ۱۲۸-۱۲۹).

هرچند طرق روایت این تفسیر مانند دیگر آثار منسوب به جابر، ضعیف است، اما جابر به دانش تفسیر قرآن و علاقه بدان معروف بوده، برخی روایات نشان می‌دهد مردم از جابر درباره معنای آیات قرآن پرسش می‌کرده‌اند و به نظر می‌رسد کتاب تفسیر وی از شهرت بسزایی برخوردار بوده است (Modarressi, 2003, 1, p. 94). چنان که در اختصاص، از جابر، با عنوان «صاحب التفسیر» یاد شده است (۱۴۱۴ ق، ص ۲۰۴).

مدرسی، احتمال داده است: تفسیر جابر با نام تفسیر اهل بیت علیهم‌السلام شناخته می‌شده است. ظاهراً - به دلیل کثرت روایات تفسیری باقیمانده از جابر در منابع شیعه و سنی - این کتاب مفصل‌ترین اثر جابر بوده است (Ibid, p. 94-97). روش تفسیر جابر منقول و مأثور بوده است (عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۷۹).

گفتنی است روایات تفسیری جابر در تألیف تفسیر جامع البیان مورد توجه طبری بوده، در موارد متعددی اقوال مروی از او را آورده است (۱۴۱۵ ق، ج ۱، صص ۳۷۲، ۳۷۴، ۴۲۰ و ۷۵۱، ج ۲، صص ۱۳۲ و ۳۵۲-۳۵۳، ج ۱۳، ص ۳۲۸).

فرات کوفی دیگر مفسری است که روایات فراوانی از جابر در تفسیر خود آورده است (۱۴۱۰ ق، صص ۵۳-۵۴، ۷۳-۷۴، ۹۳، ۱۰۵-۱۰۶، ۱۴۵-۱۴۶ و ۲۴۰-۲۴۱).

کتاب *صفة الجنة والنار* از سعید بن جناح کوفی نیز از متون کهن باقیمانده است که متن کامل آن در اختصاص بر جای مانده (۱۴۱۴ ق، ص ۳۴۵-۳۶۵). بخش مربوط به وصف دوزخ (همان، ص ۳۵۹-۳۶۵) به تمامی از جابر و به احتمال زیاد از تفسیر اوست؛

با چهار نقل کوتاه از دیگران در پایان (Modarressi, 2003, 1, p.93).

در روایتی به نقل از رجال کشی، مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام درباره تفسیر جابر پرسش کرده و امام علیه السلام وی را از روایت کردن از این تفسیر برای مردمان سست اعتقاد، برحذر داشته است (کشی، ۱۳۴۸، ص ۱۹۲). از این روایت می توان دریافت: در تفسیر وی مطالبی بلند و غیر قابل تحمل و بر خلاف تقیه وجود داشته است که انتشار آن به صلاح نبوده است (معرفت، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۴۲۲).

هرچند ممکن است مراد از تفسیر جابر در این روایت، کتاب وی نباشد، بلکه تفسیر وی از آیه ای مشخص از قرآن باشد (Modarressi, 2003, 1, pp. 94-97).

مدرسی بر این نظر است که تلاش عمده جابر در تفسیرش بر آن بود تا ثابت کند هر جا در قرآن ستایش آمده، مقصود امام علی علیه السلام، فرزندان و شیعیان اوست؛ همان طور که دشمنان آنان مصداق آیاتی هستند که در محکومیت و ذم کسانی آمده است) (Modarressi, 2003, 1, p 97)*.

حدیث

جابر محدثی بسیار پرکار بود (قزوینی رازی، ۱۳۵۸، ص ۲۴). در این باره ترمذی از وکیع نقل کرده است: اگر او نبود، کوفه از حدیث تهی می گردید (۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۳۳). او گاهی احادیث منحصر به فرد و نادر روایت می کرد و این موضوع سبب شد برخی از بزرگان اهل تسنن چون شعبه بن حجاج، روایت نمودن از وی را بر خود لازم بدانند (عسقلانی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۴۲). جابر جعفی را یکی از ائمه علم حدیث (صدر، ۱۳۷۵، ص ۲۸۴) و از نخستین گردآورندگان احادیث دانسته اند

* جابر، در تأیید این نظر به روایات اهل بیت علیهم السلام استناد می کرد؛ برای نمونه ر.ک به: علی بن جعفر صادق علیه السلام، ۱۴۰۹، ص ۳۳۰ / صدوق، ۱۳۷۹، ص ۴۰۰ / طوسی، ۱۴۱۴، ص ۲۷۲.

(Halm, 2004, pp. 10 - 11) که بر خلاف بسیاری از معاصرانش، روایاتی را که از مشایخش می‌شنید، مکتوب می‌کرد (خطیب بغدادی، ۱۴۲۶ ق، ص ۱۱۰)؛ برخی از شاگردانش نیز این روش را ادامه دادند (Modarressi, 2003, 1, pp. 92-93). آثار حدیثی جابر شاهد دیگری بر توجه شیعیان به مسئله تدوین و جمع‌آوری مباحث اسلامی است (عقیقی بخشایشی، ۱۳۸۱، ج ۷، ص ۹۳۳).

راوی عمده احادیث وی، ابو عبدالله عمرو بن شمر جعفی* است، اما بزرگانی از رجال اهل تسنن چون سفیان ثوری، شعبه بن حجاج و شریک بن عبدالله نخعی از او روایت می‌کرده‌اند (مزی، ۱۴۰۸ ق، ج ۴، ص ۴۶۶-۴۶۷).

در کتب اربعه روایات فراوانی از او به چشم می‌خورد (خوئی، ۱۴۱۳ ق، ج ۴، ص ۳۴۵ / برای نمونه رک به: کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۰۹ و ج ۲، ص ۱۶۶ / صدوق، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۲۱ و ج ۴، ص ۳۹۷ / طوسی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۴۸ / همو، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۱۷۴). براقی نجفی، تعداد روایات وی از صادقین علیهم‌السلام را نود هزار حدیث ذکر کرده است (براقی نجفی، ۱۴۲۴ ق، ص ۴۶۷). روایات او بیشتر در تفسیر، تاریخ، اخلاق و اصول عقاید است تا احکام و فروع دین (نوری، ۱۴۱۶ ق، ج ۴، ص ۲۱۸-۲۱۹ / مامقانی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۲۰۳-۲۰۴).

* برای نمونه از اهل تسنن، ابن سعد، جوزجانی و دارقطنی و از شیعیان، نجاشی و حلی به شدت وی را تضعیف کرده‌اند. بنا بر نوشته ابن سعد، او محدثی قصه‌گو بود که شصت سال امامت جماعت را در مسجد جعفی بر عهده داشت و در دوران خلافت منصور (حک: ۱۳۶-۱۵۸ ق) درگذشت. بنا بر نقل ابوداوود، یحیی بن معین نیز کتابت احادیث عمرو بن شمر را روانی‌شمرده است. رک به: ابن سعد، [بی‌تا]، ج ۶، ص ۳۸۰ / جوزجانی، ۱۴۰۵ ق، ص ۵۶ / ابو عبید آجری، ۱۴۱۸ ق، ج ۱، ص ۱۸۹ / یعقوبی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۳۶۴-۳۸۹ / علی بن عمر دارقطنی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص ۳۴۸ / نجاشی، ۱۴۱۶ ق، ص ۲۸۷ / حسن بن یوسف حلی، ۱۴۱۷ ق، ص ۳۷۸. با وجود تضعیف نجاشی و حلی، محدث نوری با ذکر دلایلی، منقولات عمرو بن شمر از جابر جعفی را قابل پذیرش و معتبر دانسته است (نوری، ۱۴۱۶ ق، ج ۴، ص ۱۹۳-۱۹۷).

از آثار روایی وی می‌توان ذیل موارد را نام برد:

۱. اصل کتاب: طوسی، جابر را صاحب اصل* دانسته و طریق خود به اصل جابر را با دو اسناد بیان کرده است (۱۴۱۷ ق، ص ۹۵).** اصل جابر شاید همان کتاب جابر جعفی باشد که ابوغالب زراری آن را با دو اسناد مختلف دریافت کرده بود (۱۳۹۹ ق، ص ۵۸-۵۹).*** مدرسی، بر این نظر است که قسمت عمدهٔ صدها روایتی که از جابر در آثار سنی - به‌ویژه دو مصنف عبدالرزاق صنعانی و ابن ابی شیبه - و شیعی دربارهٔ موضوعات مختلف مربوط به عقاید، اخلاق و احکام نقل شده، می‌تواند از این دفتر حدیث اخذ شده باشد (Modarressi, 2003, 1, p. 103).

۲. کتاب الفضائل: نجاشی از آن نام برده است (۱۴۱۶ ق، ص ۱۲۹).*** روایات فراوانی از جابر که در آثار شیعه و سنی بر جای مانده‌اند و متناسب با عنوان این کتاب

* در نوشتن یک اصل، نویسنده بدون کوششی در جهت مدون‌سازی، احادیث مسموع خود را تنها با کتابت به ضبط می‌آورده است. در میان امامیه، اعتبار اصل زمانی بود که از زبان معصوم علیه السلام صادر شده، طریق آن تا معصوم علیه السلام متصل باشد (در مورد اصطلاح اصل رک به: حاج منوچهری، ۱۳۷۹، ص ۲۱۸-۲۲۰ / ربانی، ۱۳۸۴، ص ۱۷۷-۱۹۸ / Kohlberg, 1987, PP. 128 - 166).

** اسناد اول: ابن ابی جید، از ابن ولید، از صفار، از احمد ابن محمد بن عیسی، از عبدالرحمان بن ابی نجران، از مفضل بن صالح، از جابر.

اسناد دوم: حمید بن زیاد، از ابراهیم بن سلیمان، از جابر.

*** ابوغالب زراری، رساله، ص ۵۸-۵۹. اسناد اول: ابوالعباس زرّاز، از قاسم بن ربیع، از ابن سنان، از عمار، از منخل، از جابر.

اسناد دوم: یحیی بن زکریا لؤلؤی، از ابن سنان، از عمار، از منخل، از جابر.

*** طریق نجاشی به این کتاب: احمد بن محمد بن هارون، از احمد بن محمد بن سعید، از محمد بن احمد بن حسن قَطَوانی، از عَبّاد بن ثابت، از عمرو بن شمر، از جابر.

هستند، عمدتاً و نه به تمامی،* درباره فضایل خاندان پیامبر ﷺ و شیعیان می‌باشند (برای روایاتی از او در فضیلت شیعیان اهل بیت: ر.ک به: طبری آملی، ۱۴۲۰ ق، ص ۲۹۶ / علی بن حسن طبرسی، ۱۴۱۸ ق، ص ۱۷۲ / در مورد این کتاب و روایات متناسب با آن، ر.ک به: (Modarressi, 2003, 1, pp. 97 - 99).

۳. کتاب النوادر: نجاشی از آن یاد کرده، طریق خود تا این کتاب را بیان نموده است (۱۴۱۶ ق، ص ۱۲۹).** بسیاری از روایات فراوانی که از جابر در منابع شیعه و سنی نقل شده، با عنوان این اثر، مناسبت دارد (برای نمونه، ر.ک به: روایتی در مورد کوشش‌های حضرت زهراء علیها السلام برای حفظ فدک (طبری صغیر، ۱۴۱۳ ق، ص ۱۱۰-۱۲۵) و روایتی در باب چهار تن از صحابه که حدیث غدیر را کتمان کردند (صدوق، ۱۴۰۳ ق، ص ۲۱۹-۲۲۰) و روایتی در باب موضع دو فرشته ناظر بر آدمی (کوفی اهوازی، ۱۳۹۹ ق، ص ۵۳). برای موارد بیشتر ر.ک به: (Modarressi, 2003, 1, p. 102).

علاوه بر موارد یادشده، یکی از آثار برجای مانده از حدیث متقدم شیعی، اصل (کتاب) جعفر بن محمد بن شریح حصرمی، اساساً دفتری است که راوی آن حمید

* روایاتی از قبیل فضیلت تبسم و ادخال سرور در مؤمن، فضیلت پوشیدن لباس سفید و استفاده از کفن سفید برای اموات، فضیلت جمعه‌های ماه رمضان بر سایر جمعه‌ها، فضیلت عمره رمضان، دیگر فضایل ماه رمضان، فضایل جمعه، فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام در شب و روز عاشورا، فضیلت ذکر خداوند از مغرب تا شفق و از اذان صبح تا طلوع آفتاب، و فضیلت تسبیح حضرت زهراء علیها السلام و برخی اذکار می‌تواند از این کتاب باشد (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳، صص ۴۱۵ و ۴۲۹ و ج ۸، ص ۱۰۹ / طبرانی، [بی تا]، ج ۱۷، ص ۱۵۶ / صدوق، ۱۳۶۸، ص ۵ / همو ۱۴۱۲ ق، صص ۹۰ و ۱۳۸-۱۳۹ / همو [بی تا]، «الف»، ص ۵۲ / مفید، ۱۴۱۴ ق، «الف»، ص ۵۱-۵۲ / همو، ۱۴۱۰ ق، ص ۳۱۰ / طوسی، ۱۴۱۱ ق، صص ۶۲۷ و ۷۷۱-۷۷۲ / حسن بن فضل طبرسی، ۱۳۹۲ ق، صص ۱۰۴ و ۳۰۵ / ابن ادریس حلی، ۱۴۱۱ ق، ص ۵۹۲).

** احمد بن محمد جندی، از محمد بن همام، از جعفر بن محمد بن مالک، از قاسم بن ربیع صحّاف، از محمد بن سنان، از عمار بن مروان، از منخل بن جمیل، از جابر.

بن شُعَیب سَبِیعی از جابر جعفی شنیده است؛ با روایات اندکی از دیگران در پایان آن.*

گفتنی است اگرچه جابر، احادیث فراوانی از امام باقر علیه السلام روایت کرده است، اما در روایتی از امام صادق علیه السلام نام وی در شمار احیاکنندگان احادیث امام باقر علیه السلام، ذکر نشده است.* شاید علت ذکر نشدن نام جابر در این حدیث - با وجود روایات فراوان وی از امام باقر علیه السلام و نیز وارد شدن روایتی صحیح از امام صادق علیه السلام در تأیید صحت روایات وی - (کشی، ۱۳۴۸، ص ۱۹۱-۱۹۲ / تجلیل تبریزی، [بی تا]، ص ۲۵) این باشد که وی گاهی اوقات احادیثی خلاف تقیه نقل می کرد و امام صادق علیه السلام انتشار چنین اخباری را در آن زمان به صلاح نمی دانسته، ترجیح داده اند احادیث پدربزرگوارشان را منتسب به جابر جعفی نکنند (کشی، همان، ص ۱۹۳).

تاریخ

جابر بن یزید مورخ برجسته‌ای بوده و بیشتر تألیفات منسوب به وی، در حوزه تاریخ‌نگاری است. آثار تاریخی وی به شکل تک‌نگاری است و آشکارا رنگ و بوی شیعی دارد. سیاق تألیفات تاریخی وی با مکتب تاریخ‌نگاری عراق سازگارتر

* از جمله یک یا دو نمونه از جابر، اما از طریقی دیگر (ر.ک به: حضرمی، ۱۴۰۵، ص ۶۰-۸۱ / (Kohlberg, 1991, p. 154 / Modarressi, 2003, 1, p 93, 274. /

در باب مربوط به جابر از کتاب مدرسی، این اصل به درستی اصل جعفر بن محمد بن شریح حضرمی معرفی شده است، اما در باب مربوط به حَمَید سَبِیعی، این اصل به اشتباه به عنوان اصل محمد بن مثنیٰ حضرمی معرفی گشته است.

* از امام صادق علیه السلام روایت شده است: «یاد ما و احادیث پدرم را کسی جز زراره، ابوبصیر مرادی، محمد بن مسلم و برید بن معاویه عجلای از خطر محو و اندراس حفظ نکرد. اگر اینان نبودند کسی هدایت نمی یافت. اینان حافظان دین و مورد اعتماد پدرم بر حلال و حرام الهی هستند و در دنیا و آخرت به سوی ما سبقت گرفته اند» (کشی، ۱۳۴۸، ص ۱۳۶-۱۳۷).

است (آئینه‌وند، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۵۱۱ / سزگین، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۳۶ / عبدالحمید، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۱۹۶-۱۹۷). مورخان مشهوری چون ابومخنف و هشام بن محمد بن سائب کلبی، بی‌واسطه و یا باواسطه از وی روایت کرده‌اند (طبری، ۱۳۸۲-۱۳۸۷، ج ۴، صص ۵۰۰ و ۵۱۲ و ج ۵، ص ۴۴۹ / ابن ابی الحدید، ۱۳۳۷، ج ۱۴، ص ۱۱). آثار تاریخی او عبارتند از:

۱. **کتاب حدیث الشوری:** متن کامل این رساله در *احتجاج* باقی است (احمد بن علی طبرسی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۹۲-۲۱۰). این رساله فهرستی از فضایل امام علی علیه السلام را در شایستگی بر جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله به دست می‌دهد. این مواد، در قالب یک سخنرانی از امیرالمؤمنین علیه السلام است که گفته می‌شود ایشان برای اعضای شورای شش نفره‌ای که عمر در بستر مرگ برای انتخاب جانشین‌اش تعیین کرده بود، ایراد فرمود. متن مشابهی نیز تحت عنوان *خطبة الوسيلة* (خطبه‌ای که گفته می‌شود امام علی علیه السلام یک هفته پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه ایراد کرده بود) از جابر نقل شده است که به طور کامل در کافی بر جای مانده است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۱۸-۳۰ / Modarressi, 2003, 1, p. 103).

۲. **کتاب الجمل:** نقل‌های پراکنده‌ای از آن در آثار شیعه و سنی بر جای مانده است (Ibid, p. 100) / برای مطالعه نمونه‌های مذکور رک به: مفید، ۱۴۱۴، ق، «ب»، صص ۱۴-۱۵، ۱۸-۱۹، ۲۴-۲۵، ۳۱-۳۲).

۳. **کتاب صفین:** عمده مواد این کتاب در *وقعة صفین* نصر بن مزاحم منقری باقی است (۱۴۰۳، ق، برای نمونه نک به، صص ۲۳۰، ۲۳۶-۲۴۶، ۲۵۰، ۴۵۷-۴۶۲ و ۵۵۴-۵۵۹). بخشی از این کتاب نیز در *شرح نهج البلاغه* ابن ابی الحدید به روایت ابومخنف باقی مانده است (۱۳۳۷، ق، ج ۱۴، ص ۱۱-۱۳). در دیگر آثار شیعی و سنی نیز اخباری به نقل از جابر درباره جنگ صفین بر جای مانده که ممکن است از این کتاب باشد (Modarressi, 2003, 1, pp. 100 - 101).

۴. **کتاب النهروان:** خطبه‌ای که امام علی علیه السلام پس از بازگشت از نهروان به کوفه ایراد فرمود و صدوق آن را از طریق عمرو بن شمر از جابر، همراه با شرح مفصل از خود جابر نقل کرده، از این کتاب گرفته شده است (صدوق، ۱۳۷۹، ص ۵۸-۶۲). یک متن طولانی مشتمل بر پاسخ‌های امیرالمؤمنین علیه السلام به پرسش‌های رئیس یهودیان پس از بازگشت از نهروان نیز می‌تواند بخشی از این کتاب باشد (صدوق، ۱۴۰۳، ص ۳۶۴-۳۸۲).

۵. **کتاب مقتل امیرالمؤمنین علیه السلام:** روایات جابر در مورد شهادت امام علی علیه السلام از منابع **مقتل امیرالمؤمنین علیه السلام** ابن ابی الدنیا بوده و به نظر می‌رسد وی این روایات را از کتاب جابر گرفته کرده است (Bellamy, 1984, pp. 5-6). به غیر از روایات **مقتل** ابن ابی الدنیا از جابر، در این زمینه، روایات دیگری نیز از وی موجود است (Modarressi, 2003, 1, p.101).

۶. **کتاب مقتل الحسین علیه السلام:** یکی از اولین مقاتل حسینی است و چنان که از نقل‌های ابوالفرج اصفهانی از نصر بن مزاحم منقردی روشن می‌شود، از منابع **مقتل الحسین علیه السلام** نصر بن مزاحم بوده است* (نجاشی، ۱۴۱۶، ق، ۱۲۸-۱۲۹ / طوسی، ۱۴۱۷، ص ۱۸۱).

گفتنی است روایات جابر درباره دوران خلافت امام علی و مقتل امام حسین علیه السلام و دیگر مقاطع تاریخ صدر اسلام، از منابع طبری در تدوین تاریخ بوده است (طبری، ۱۳۸۲-۱۳۸۷، ج ۱، صص ۲۶۶، ۲۶۹ و ۲۷۶، ج ۴، صص ۱۹۴، ۵۰۰ و ۵۱۲، ج ۵، ص ۴۴۹ / 233، 1980، p. See. Madelung). جابر جعفی از پیشگامان تدوین

* از اسناد ابوالفرج اصفهانی مشخص می‌شود نصر، این روایات را از کتاب جابر که راوی آن به تصریح نجاشی، عمرو بن شمر بوده، اخذ کرده است (ر.ک به: نجاشی، ۱۴۱۶، ق، صص ۱۲۹ و ۴۲۷-۴۲۸ / ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۸۵، صص ۵۴ و ۵۶-۵۷).

کتب سیره و مناقب ائمه اطهار علیهم السلام به شمار می‌رود (حسین‌زاده‌شانه‌چی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۰-۱۲۱) و به غیر از آثار فوق، بیشتر مطالب کتاب *الفضائل* وی نیز فضایل و مناقب خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و شیعیان است (ر.ک به: (Modarressi, 2003, 1, p. 97).

فقه

یعقوبی نام جابر بن یزید جعفری را در زمرة فقهای برجسته اوایل دوره اموی و اوایل دوره عباسی آورده است [بی‌تا]، ج ۲، صص ۳۴۸ و ۳۶۳ و بنا بر گزارش ابن سعد، در زمان امارت خالد بن عبدالله قسری بر کوفه (۱۰۵-۱۲۰ ق)، هرگاه عیسی بن مسیب بجلّی قاضی این شهر، بر مسند قضا قرار می‌گرفت، جابر جعفری نیز در کنار او می‌نشست (ابن سعد، [بی‌تا]، ج ۶، ص ۳۴۶ / براقی نجفی، ۱۴۲۴ ق، ص ۲۷۵-۲۷۶). از برخی اخبار روشن می‌شود که او گاهی به قضا می‌پرداخته است (ابن حبان، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۱۲۱-۱۲۲). این مطالب نشان می‌دهد جابر فقیهی توانمند بوده* و اینکه نجاشی روایات او در حلال و حرام را اندک دانسته (۱۴۱۶ ق، ص ۱۲۸)، تنها در مقایسه با روایات فراوان وی در عقاید، تفسیر، اخلاق، سنن و سایر معارف است (موحد ابطحی، ۱۴۱۷ ق، ج ۵، ص ۶۸).

خویی، نظر نجاشی را عجیب دانسته، چنین اظهار نظر کرده است: «با وجود روایات فراوان جابر در کتب اربعه،* احتمالاً مراد نجاشی آن بوده که اکثر روایات او، به جهت ضعیف بودن راویان احادیث وی، غیر قابل اعتناست و آنچه ثقات از جابر روایت کرده‌اند، اندک است و از این مقدار اندک نیز،

* شهرت وی در فقه تا بدان جاست که در منبعی متقدم، از او با تعبیر «جابر بن یزید الفقیه» یاد شده است؛ (ر.ک به: قاسم بن سلام، ۱۴۱۰ ق، ص ۳۲۱).

** طریق صدوق و طریق طوسی به جابر، هر دو ضعیف است (ر.ک به: خویی، ۱۴۱۳ ق، ج ۴، ص ۳۴۵).

تعداد کمی در مورد حلال و حرام است (خوئی، ۱۴۱۳ ق. ج ۴، ص ۳۴۵).

شبیری زنجانی نیز از جابر جعفی با تعبیر «واسع الروایة فی الفقه» یاد کرده است (۱۳۹۴ ق. ج ۱، ص ۳۵۲)؛ در تأیید این نظر اینکه فقهای امامیه از قرن‌ها پیش تا کنون در ابواب مختلف فقه امامیه، به روایات جابر جعفی استناد کرده‌اند (برای نمونه ر.ک به: جعفر بن حسن حلی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۲۲۷ / عاملی جزینی، ۱۴۱۹ ق. ج ۴، ص ۴۵۲-۴۵۳ / نجفی، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۳۲۴، ج ۱۰، ص ۲۶۱-۲۶۲، ج ۳۰، ص ۱۳۵-۱۳۶ / انصاری، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۳۳۲ / همدانی، [بی‌تا]، ج ۱، ق ۱، صص ۱۴۸ و ۲۳۶، ج ۱، ق ۲، ص ۴۲۵، ج ۲، ق ۱، صص ۱۳۶، ۲۳۲ و ۳۶۷، ج ۲، ق ۲، ص ۴۳۴ / نائینی، ۱۴۱۱ ق. ج ۱، ص ۵۷ / امام خمینی، ۱۴۲۱ ق. ج ۳، ص ۲۰ / همو، ۱۴۱۰ ق. ج ۲، صص ۵-۴، ۱۸ و ۲۶-۲۷).

از عبدالرحمن فرزند شریک بن عبدالله نخعی کوفی، نقل شده که پدرش، ده هزار مسئله از جابر جعفی روایت کرده است (مزنی، ۱۴۱۳ ق. ج ۱۲، ص ۴۷۲). اکثر روایات شریک از جابر، فقهی است (برای نمونه ر.ک به: مالک بن انس، ۱۳۲۳، ج ۱، ص ۹۵ / ابن ابی شیبه کوفی، ۱۴۰۹ ق. ج ۱، صص ۳۱۲، ۴۲۳، ۴۷۴ و ۵۱۶، ج ۲، صص ۲۶ و ۴۱۴، ج ۳، ص ۲۳۵) و نشان می‌دهد جابر بن یزید، علاوه بر مرجعیت در حدیث و سنن، تفسیر و تاریخ، در فقه نیز مرجعیت داشته است.*

روایات جابر در ابواب گوناگون فقهی در آثار امامیه و غیر امامیه آمده است؛ از آن جمله به موارد ذیل می‌توان اشاره کرد:

- طهارت (صنعانی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۳۴۳ / نوری، ۱۴۰۸ ق. ج ۱، ص ۲۹۷)؛

* او را از برجسته‌ترین فقهای شیعه در عصر صادقین علیهم‌السلام دانسته‌اند (ر.ک به: زرکلی، ۱۹۸۰، ج ۲، ص ۱۰۵ / سبحانی، ۱۴۲۰ ق. ج ۱، ص ۳۰۸).

- نماز (مالک بن انس، ۱۳۲۳، ج ۱، ص ۸۱ / صدوق، ۱۴۱۲، ق، ص ۹۴ / طوسی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۴۸)؛
- ازدواج و زناشویی (صدوق، ۱۴۰۴، ق، ج ۳، ص ۴۱۰ / بحرانی، [بی‌تا]، ج ۲۳، ص ۱۴۱)؛
- حج و عمره (ترمذی، ۱۴۰۳، ق، ج ۲، ص ۲۱۱)؛
- وکالت (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۲۱۳)؛
- ارث (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۱۷۴)؛
- غسل و تدفین میت (راوندی، ۱۴۰۷، ق، ص ۲۶۷ / هیثمی، [بی‌تا]، ص ۹۶).
- شایان توجه است در آثار اهل تسنن، برخی از روایات فقهی وی به نقل از امام باقر علیه السلام و سایر روایات از مشایخ سنی اوست. این امر نشان می‌دهد در زمان حیات وی، علاوه بر شیعیان، اهل تسنن نیز در فقه به وی مراجعه می‌کردند و او در پاسخ، به جز آرای امام باقر علیه السلام به آرای مشایخ سنی خود چون عامر شعبی، طاووس یمانی، عطاء بن ابی رباح، قاسم بن محمد بن ابی بکر، سالم بن عبدالله بن عمر و مغیره بن شُبَیل اَحْمَسِی استناد می‌کرد (صنعانی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۳۴۳ / ابن ابی شیبه کوفی، [بی‌تا]، ج ۱، صص ۴۲، ۵۶، ۹۶، ۴۸۵ و ۵۲۵ / ابوداؤد سجستانی، ۱۴۱۰، ق، ج ۱، ص ۲۳۳).
- گفتنی است او از روایان حدیث نبوی «لا ضرر و لا ضرار» (ابن ماجه قزوینی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۷۸۴)*، از مشهورترین قواعد فقهی است (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ق، ج ۱، ص ۲۸).

* جابر جعفی این حدیث را مسنداً از ابن عباس روایت می‌کند و علاوه بر سنن ابن ماجه، در برخی دیگر از منابع سنی نیز نقل شده است (ر.ک به: سیستانی، ۱۴۱۴، ق، ص ۷۶-۷۷).

کلام

او از متکلمان شیعه در عصر صادقین علیهم السلام به شمار می‌رود که در اصول دین و عقاید مذهب اهل بیت علیهم السلام متبحر بود (صدر، ۱۳۷۵، ص ۳۵۸ / زنجانی، ۱۳۹۴ ق، ص ۳۵۲ / سبحانی، ۱۴۲۴ ق، ج ۱، ص ۲۹۰-۲۹۱). آموزه‌های کلامی وی برگرفته از صادقین علیهم السلام بوده، اعتقاد به وصایت و امامت ائمه اهل بیت علیهم السلام (فسوی، ۱۴۰۱ ق، ج ۲، ص ۷۱۶)، علم امام علیه السلام (شمس‌الدین ذهبی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۸۱)، تولی (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۰۹) و تبری (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۲، صص ۱۰۹ و ۳۲۱)، رجعت (حسن بن سلیمان حلی، [بی‌تا]، صص ۱۸-۱۷، ۲۶، ۲۹ و ۳۸-۳۷) و مهدویت (نبلی نجفی، ۱۴۲۶ ق، صص ۳۰-۲۹، ۴۳-۴۲، ۱۰۳-۱۰۲، ۱۱۲-۱۱۱) مهم‌ترین شاخصه‌های اعتقادی اوست که نه تنها خود بدین عقاید ایمان داشته است، بلکه در عصر اموی با استناد به احادیث ائمه اطهار علیهم السلام به تبلیغ این آموزه‌های کلامی می‌پرداخته است (مسلم نیشابوری، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۱۵ / عقیلی، ۱۴۱۸ ق، ج ۱، ص ۱۹۳-۱۹۴).

در ادامه به دو حدیث از وی که نشان‌دهنده دیدگاه تنزیه‌گرای او دربارهٔ خدای تبارک و تعالی است، اشاره می‌شود:

۱. امام باقر علیه السلام: «ای جابر! اهل شام چه دروغ بزرگی به خدا بسته‌اند! گمان می‌کنند خدای تبارک و تعالی وقتی می‌خواست از آسمان بالا رود، پایش را به روی صخره بیت‌المقدس گذاشته و بنده‌ای از بندگان خدا اثر پای خدا را بر سنگ حفظ کرده است و خداوند امر کرده که آن را مصلی قرار دهند. ای جابر! همانا خدای تبارک و تعالی نظیر و شبیه ندارد. بالاتر از توصیف و اوصاف و اوهام متوهمان است. از چشم‌های بینندگان پوشیده است، زایل نمی‌شود و افول نمی‌کند. چیزی مانند او نیست و او شنوای داناست» (صدوق، [بی‌تا]، «ب»، ص ۱۳۸).

۲. جابر جعفی از امام باقر علیه السلام: «خداوند نوری است که ظلمت ندارد؛ علمی است که جهل ندارد و حیاتی است که مرگ ندارد». (همان، ص ۱۷۹).

نتیجه

ابومحمد جابر بن یزید جعفری کوفی از اصحاب نامدار و مورد وثوق امام باقر و امام صادق علیهما السلام و از بزرگ‌ترین علمای شیعه امامیه در نیمه دوم قرن اول و نیمه اول قرن دوم هجری است. او عمر خود را در تعلم و تعلیم علوم اسلامی صرف نمود و سهم غیرقابل انکاری در توسعه علوم تفسیر، حدیث، تاریخ، فقه و کلام در بین عامه مسلمانان و به‌خصوص شیعیان امامی داشته است. وی یکی از پرورش‌یافتگان مکتب اهل بیت علیهم السلام است که حتی رجال نامدار اهل تسنن چون سفیان ثوری و دیگران را به حلقه درس خود جذب نمود و بدین شکل علوم آل محمد صلی الله علیه و آله را علاوه بر جامعه شیعه، در بین اهل تسنن نیز منتشر کرد. روایات او که عمدتاً از ائمه اطهار علیهم السلام است، بخش قابل توجهی از میراث حدیثی، تفسیری، تاریخی، فقهی و کلامی شیعه امامیه و دیگر مسلمانان را به خود اختصاص داده است و هنوز هم مرجع و مأخذ عالمان مسلمان در علوم فوق به شمار می‌رود.

منابع

۱. آئینه‌وند، صادق؛ علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی؛ ج ۱، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۷ ش.
۲. آجری، ابوعبید؛ *سؤالات ابی عبید الآجری ابا داود سلیمان بن الأشعث السجستانی فی معرفة الرجال و جرحهم و تعدیلهم*؛ به کوشش عبدالعلیم عبدالعظیم بستوی؛ ج ۱، مکه: دارالاستقامة، بیروت: مؤسسه الریان، ۱۴۱۸ ق.
۳. ابن ابی الحدید، ابوحامد عزالدین عبدالحمید؛ *شرح نهج البلاغه*؛ به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم؛ ج ۱۴، قم: کتابخانه عمومی آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۳۷.
۴. ابن ابی حاتم رازی، ابومحمد عبدالرحمن؛ *الجرح و التعدیل*؛ ج ۲، حیدرآباد دکن: مجلس دائرة المعارف العثمانية، ۱۳۷۱، [چاپ افسست] بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی‌تا]، «الف».
۵. _____؛ *تفسیر*؛ به کوشش اسعد محمد طیب؛ ج ۱ و ۳، صیدا: المكتبة العصرية، [بی‌تا]، «ب».
۶. ابن ابی شیبہ کوفی، عبدالله بن محمد؛ *المصنف*؛ به کوشش سعید لحام؛ ج ۱-۳، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹ ق.
۷. ابن ادريس حلی، ابوجعفر محمد بن منصور بن احمد؛ *مستطرفات السرائر*؛ ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۸. ابن حبان، ابی حاتم محمد؛ *کتاب المجروحین*؛ به کوشش محمود ابراهیم زاید؛ ج ۱، مکه: دارالباز، [بی‌تا].
۹. ابن حجر عسقلانی، شهاب‌الدین احمد بن علی؛ *تهذیب التهذیب*؛ ج ۱، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۴ ق.
۱۰. ابن حیان، محمد بن خلف؛ *اخبار القضاة*؛ ج ۳، بیروت: عالم الکتب، [بی‌تا].
۱۱. ابن داوود حلی، تقی‌الدین حسن بن علی؛ *رجال*؛ به کوشش سیدمحمدصادق آل بحرالعلوم؛ نجف: مطبعة الحیدریة، ۱۳۹۲ ق.
۱۲. ابن سعد، محمد؛ *الطبقات الکبری*؛ بیروت، دار صادر، [بی‌تا].
۱۳. ابن شعبه حرانی، ابومحمد حسن بن علی بن حسین؛ *تحف العقول عن آل الرسول*؛ به کوشش علی‌اکبر غفاری؛ ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.

۱۴. ابن عبدالبر، ابو عمر يوسف بن عبدالله؛ التمهيد؛ به كوشش مصطفى بن احمد علوى و محمد عبدالكبير بكرى، ج ۱۶، مغرب: وزارة عموم الاوقاف و الشؤون الاسلامية، ۱۳۸۷ ق.
۱۵. ابن عدى جرجانى، ابواحمد عبدالله؛ الكامل فى ضعفاء الرجال؛ به كوشش سهيل زكار و يحيى مختار غزوى، ج ۲، ج ۳، بيروت: دارالفكر، ۱۴۰۹ ق.
۱۶. ابن عساکر، ابوالقاسم على بن حسن؛ تاريخ مدينة دمشق؛ به كوشش على شيرى؛ ج ۱۴ و ۴۲، بيروت: دارالفكر، ۱۴۱۵ ق.
۱۷. ابن ماجه قزوینی، محمد بن يزيد؛ سنن؛ به كوشش محمد فؤاد عبدالباقي؛ ج ۲، بيروت: دارالفكر، [بی تا].
۱۸. ابوالفرج اصفهانی، على بن حسين؛ مقاتل الطالبیین؛ به كوشش كاظم مظفر؛ ج ۲، قم: دارالكتاب، ۱۳۸۵.
۱۹. ابوداوود سجستانی، سليمان بن اشعث؛ سنن؛ به كوشش سعيد محمد اللحام؛ ج ۱، بيروت: دارالفكر، ۱۴۱۰ ق.
۲۰. اردبیلی، محمد بن على؛ جامع الرواة؛ ج ۱، قم: منشورات مكتبة آيت الله العظمى المرعشى النجفی، ۱۴۰۳ ق.
۲۱. انصاری، مرتضى؛ كتاب الطهارة؛ ج ۲، [بی تا]. مؤسسه آل البيت، [بی تا]. (چاپ سنگی).
۲۲. بابایی، على اكبر؛ مكاتب تفسیری؛ ج ۱، تهران: سمت، ۱۳۸۱.
۲۳. بحرانی، يوسف؛ الحدائق الناضرة؛ ج ۲۳، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، [بی تا].
۲۴. بخاری، محمد بن اسماعیل؛ التاريخ الكبير؛ ج ۲، دیاربكر: المكتبة الاسلامية، [بی تا].
۲۵. براقى نجفی، سيدحسين بن سيد احمد؛ تاريخ الكوفة؛ تحقيق ماجد احمد العطية، [بی تا]. المكتبة الحيدرية، ۱۴۲۴ ق.
۲۶. تجليل تبریزی، ابوطالب؛ معجم الثقات و ترتيب الطبقات؛ به كوشش سيدحسين موسوى؛ قم: مطبعة مهر استوار، [بی تا].
۲۷. ترمذی، محمد بن عيسى؛ الجامع الصحيح (سنن)؛ به كوشش عبدالوهاب عبداللطيف و عبدالرحمن محمد عثمان، ج ۱ و ۲، ج ۲، بيروت: دارالفكر، ۱۴۰۳ ق.
۲۸. تسترى، محمدتقى؛ قاموس الرجال؛ ج ۲، ج ۳، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۸ ق.
۲۹. ثورى، سفيان بن سعيد؛ تفسير؛ بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۰۳ ق.

۳۰. جصاص، ابوبکر احمد بن علی رازی؛ احکام القرآن؛ به کوشش عبدالسلام محمد علی شاهین؛ ج ۳، بیروت: دارالکتب العلمية، ۱۴۱۵ ق.
۳۱. جوزجانی، ابواسحاق ابراهیم بن یعقوب؛ احوال الرجال؛ به کوشش سید صبحی بدری سامرائی؛ بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۵ ق.
۳۲. حائری مازندرانی، ابوعلی محمد بن اسماعیل؛ منتهی المقال فی احوال الرجال؛ ج ۲، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لاهیات التراث، ۱۴۱۶ ق.
۳۳. حاج منوچهری، فرامرزی؛ «اصل»، به نقل از: دائرة المعارف بزرگ اسلامی؛ زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی؛ ج ۹، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۹ ش، ص ۲۱۸-۲۲۰.
۳۴. حر عاملی، محمد بن حسن؛ رجال؛ به کوشش علی فاضلی؛ قم: دارالحدیث، ۱۳۸۵ ش.
۳۵. حسین زاده شانه چی، غلام حسن؛ «تأثیر حاکمیت صفویه بر کتاب های سیره و مناقب دوازده امام عليهم السلام»؛ تاریخ و تمدن اسلامی، ش ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۵.
۳۶. حسینی سیستانی، سیدعلی؛ قاعدة لاضرر و لاضرار؛ قم: مکتب آیت الله العظمی السید السیستانی، ۱۴۱۴ ق.
۳۷. حصرمی، جعفر بن محمد بن شریح؛ «اصل»؛ به نقل از: الاصول الستة عشر؛ ج ۲، قم: دارالشبستری للمطبوعات، ۱۴۰۵ ق.
۳۸. حلی، ابومنصور حسن بن یوسف بن مطهر اسدی؛ خلاصة الاقوال؛ به کوشش جواد قیومی [اصفهان] قم: مؤسسة نشر الفقاهة، ۱۴۱۷ ق.
۳۹. حلی، حسن بن سلیمان؛ مختصر بصائر الدرجات؛ نجف: المطبعة الحیدریة، ۱۳۷۰ و قم: الرسول المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم، [بی تا]، (چاپ مجدد).
۴۰. حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفر بن حسن؛ المعترف فی شرح المختصر؛ به کوشش ناصر مکارم شیرازی؛ ج ۲، قم: مؤسسة سید الشهداء عليه السلام، ۱۳۶۴ ش.
۴۱. خزاز قمی، علی بن محمد؛ کفاية الاثر؛ به کوشش سید عبداللطیف حسینی کوه کمری خوئی؛ قم: بیدار، ۱۴۰۱ ق.
۴۲. خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت؛ تقييد العلم؛ به کوشش دانی بن منیر آل زهوی؛ بیروت: صیدا: المكتبة العصرية، ۱۴۲۶ ق.

۴۳. خمینی، روح‌الله موسوی؛ *المکاسب المحرمة*؛ با تزییل مجتبی تهرانی؛ ج ۲، ج ۳، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۰ ق.
۴۴. _____؛ *کتاب البیع*؛ ج ۳، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۱ ق.
۴۵. دارقطنی، ابوالحسن علی بن عمر بن احمد؛ *سنن*؛ به کوشش مجدی بن منصور بن سید شوری؛ ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۷ ق.
۴۶. دیلمی، حسن بن ابی الحسن علی بن محمد؛ *ارشاد القلوب*، قم: منشورات الشریف الرضی، ۱۴۱۲ ق.
۴۷. ذهبی، شمس‌الدین ابوعبدالله محمد بن احمد؛ *الکاشف فی معرفة من له الروایة فی الکتب الستة*؛ به کوشش محمد عوامه و احمد محمد نمر الخطیب؛ ج ۱، جده: دار القبلة للثقافة الاسلامیة و مؤسسة علوم القرآن، ۱۴۱۳ ق.
۴۸. _____؛ *تاریخ الاسلام*؛ به کوشش عمر عبدالسلام تدمری؛ ج ۸، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۴۹. _____؛ *میزان الاعتدال*؛ به کوشش علی محمد بجاوی، ج ۱، بیروت: دارالمعرفة، ۱۳۸۲.
۵۰. ذهبی، محمدحسین؛ *التفسیر و المفسرون*؛ ج ۱ و ۲، ج ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۶ ق.
۵۱. راوندی، قطب‌الدین ابوالحسین سعید بن هبة الله؛ *الدعوات (سلوة الحزین)*؛ قم: مدرسة الامام المهدي عجل الله فرجه الشریف، ۱۴۰۷ ق.
۵۲. ربانی، محمدحسن؛ *بررسی نظریات رجالی امام خمینی*؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۴ ش.
۵۳. زراری، ابوغالب؛ *رسالة فی آل اعین*؛ با شرح سیدمحمدعلی موسوی موحد ابطحی اصفهانی؛ [بی‌جا]، مطبعة ربانی، ۱۳۹۹ ق.
۵۴. زرکلی، خیرالدین؛ *الاعلام*؛ ج ۲، ج ۵، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۰ م.
۵۵. سبحانی، جعفر؛ *معجم طبقات المتکلمین*؛ ج ۱، قم: مؤسسة الامام الصادق علیه السلام، ۱۴۲۴ ق.
۵۶. _____؛ *موسوعة طبقات الفقهاء*؛ ج ۱، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۲۰ ق.
۵۷. سزگین، فؤاد؛ *تاریخ نگارش های عربی*؛ ترجمه مؤسسه نشر فهرستگان؛ ج ۱، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۵۸. شبیری زنجانی، سیدموسی؛ *الجامع فی الرجال*؛ ج ۱، قم: [بی‌نا]، چاپخانه پیروز، ۱۳۹۴ ق.

۵۹. صدر، سیدحسن؛ **تأسيس الشيعة لعلوم الاسلام**؛ ج ۲، قم: اعلمی، ۱۳۷۵ ش.
۶۰. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه؛ **التوحيد**؛ به کوشش سیدهاشم حسینی تهرانی؛ قم: منشورات جماعة المدرسين في الحوزة العلمية، [بی تا]، «ب».
۶۱. _____؛ **الخصال**؛ به کوشش علی اکبر غفاری؛ قم: منشورات جماعة المدرسين في الحوزة العلمية، ۱۴۰۳ ق.
۶۲. _____؛ **ثواب الاعمال و عقاب الاعمال**؛ ج ۲، قم: منشورات الشريف الرضي، ۱۳۶۸ ش.
۶۳. _____؛ **فضائل الاشهر الثلاثة**؛ به کوشش غلامرضا عرفانپان؛ ج ۲، بیروت: دارالمحجة البيضاء و دارالرسول الاکرم ﷺ، ۱۴۱۲ ق.
۶۴. _____؛ **مصادقة الاخوان**؛ به کوشش سیدعلی خراسانی کاظمی؛ کاظمیة: منشورات المكتبة الامام صاحب الزمان العامة، [بی تا]، «الف».
۶۵. _____؛ **معانی الاخبار**؛ به کوشش علی اکبر غفاری؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۷۹ ش.
۶۶. _____؛ **من لا يحضره الفقيه**؛ به کوشش علی اکبر غفاری؛ ج ۱ و ۳-۴، ج ۲؛ قم: منشورات جماعة المدرسين في الحوزة العلمية، ۱۴۰۴ ق.
۶۷. صفار، ابوجعفر محمد بن حسن بن فروخ؛ **بصائر الدرجات الكبرى في فضائل آل محمد ﷺ**؛ به کوشش حسن کوجه باغی؛ تهران: مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۴ ق.
۶۸. صفدی، صلاح الدین خلیل بن ایبک؛ **الوافی بالوفیات**؛ به کوشش احمد الارناؤوط و ترکی مصطفی؛ ج ۱۱، بیروت: دار احیاء التراث، ۱۴۲۰ ق.
۶۹. صفری فروشانی، نعمت الله؛ «جابر بن یزید جعفی»؛ به نقل از: **دانشنامه جهان اسلام**؛ زیر نظر غلامعلی حداد عادل؛ تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۸۴ ش، ج ۹، ص ۱۸۱-۱۸۴.
۷۰. صنعانی، عبدالرزاق بن همام؛ **المصنف**؛ ج ۱، به کوشش حبيب الرحمن اعظمی؛ منشورات المجلس العلمي، [بی جا]، [بی تا].
۷۱. _____؛ **تفسير القرآن العظيم**؛ به کوشش مصطفی مسلم محمد؛ ج ۳، ریاض: مكتبة الرشد، ۱۴۱۰ ق.
۷۲. طبرانی، ابوالقاسم سليمان بن احمد؛ **المعجم الاوسط**، ج ۴، قاهره: دارالحرمين، ۱۴۱۵ ق.

۷۳. _____؛ **المعجم الكبير**؛ به کوشش حمدي عبدالمجيد سلفي؛ ج ۱۷، قاهره: مكتبة ابن تيمية، [بی تا]، «الف».
۷۴. طبرسی، ابوالفضل علی بن حسن؛ **مشكاة الانوار فی غرر الاخبار**؛ به کوشش مهدی هوشمند؛ قم: دارالحديث، ۱۴۱۸ ق.
۷۵. طبرسی، ابونصر حسن بن فضل، **مكارم الأخلاق**، ج ۶، قم: منشورات الشریف الرضی، ۱۳۹۲ ق.
۷۶. طبرسی، احمد بن علی؛ **الاحتجاج**؛ به کوشش سيدمحمدباقر خراسان؛ ج ۱، نجف: دارالنعمان، ۱۳۸۶ ق.
۷۷. طبری آملی، عمادالدین ابوجعفر محمد بن ابوالقاسم علی؛ **بشارة المصطفى لشيعة المرتضى**؛ به کوشش جواد قیومی اصفهانی؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۰ ق.
۷۸. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر؛ **تاریخ الامم و الملوك**؛ به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم؛ ج ۱، ۴ و ۵، چ ۲، بیروت: دارالتراث، ۱۳۸۲-۱۳۸۷.
۷۹. _____؛ **جامع البيان عن تأویل آی القرآن**؛ به کوشش صدقی جمیل عطار؛ ج ۱، ۲، ۱۳، ۱۶، ۱۷، ۲۶، ۲۷ و ۳۰، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.
۸۰. طبری صغیر، ابوجعفر محمد بن جریر بن رستم؛ **دلائل الامامة**؛ قم: مؤسسه البعثة، ۱۴۱۳ ق.
۸۱. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن؛ **الاستبصار**؛ به کوشش سيدحسن موسوی خراسان؛ ج ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۹۰ ق.
۸۲. _____؛ **الامالی**؛ قم: دارالتقافه، ۱۴۱۴ ق.
۸۳. _____؛ **النخلاف**؛ ج ۱، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۸۴. _____؛ **الفهرست**؛ به کوشش جواد قیومی اصفهانی؛ قم: مؤسسه نشر الفقاهة، ۱۴۱۷ ق.
۸۵. _____؛ **تهذیب الاحکام**؛ به کوشش سيدحسن موسوی خراسان؛ ج ۲، ۳ و ۶، چ ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۵ ش.
۸۶. _____؛ **رجال**؛ به کوشش جواد قیومی اصفهانی؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ ق.
۸۷. _____؛ **مصباح المتعجد**؛ بیروت: مؤسسه فقه الشیعة، ۱۴۱۱ ق.

۸۸. عاملی جزینی، محمد بن جمال‌الدین مکی؛ *ذکری الشيعة في احكام الشريعة*؛ ج ۴، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لاحياء التراث، ۱۴۱۹ ق.
۸۹. عبدالحمید، صائب؛ *معجم مورخى الشيعة*؛ ج ۱، قم: مؤسسة دائرة المعارف الفقه الاسلامی، ۱۴۲۴ ق.
۹۰. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم؛ *چهارده نور پاک*؛ ج ۸، قم: نوید اسلام، ۱۳۸۱ ش.
۹۱. _____؛ *طبقات مفسران شیعه*؛ ج ۱، قم: نوید اسلام، ۱۳۷۱ ش.
۹۲. عقیلی، محمد بن عمرو؛ *كتاب الضعفاء الكبير*؛ به کوشش عبدالمعطی امین قلجی؛ ج ۱، ج ۲، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۸ ق.
۹۳. علی بن جعفر صادق عليه السلام؛ *مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها*؛ مشهد: المؤتمر العالمی للامام الرضا عليه السلام، ۱۴۰۹ ق.
۹۴. عیاشی، محمد بن مسعود؛ *تفسیر*؛ به کوشش سیدهاشم رسولی محلاتی؛ ج ۲، تهران: المكتبة العلمیة الاسلامیة، [بی تا].
۹۵. فرات کوفی؛ *تفسیر*؛ به کوشش محمدکاظم؛ تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۹۶. فسوی، ابویوسف یعقوب بن سفیان؛ *المعرفة والتاریخ*؛ ج ۲، به کوشش اکرم ضیاء عمری؛ ج ۲، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۱ ق.
۹۷. قاسم بن سلام، ابوعبید؛ *كتاب النسب*؛ به کوشش مریم محمد خیر الحرع و سهیل زکار؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۰ ق.
۹۸. قرطبی، عریب بن سعد؛ *صلة تاریخ الطبری*؛ به نقل از: ابوجعفر محمد بن جریر طبری؛ *تاریخ الامم و الملوك*؛ به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم؛ ج ۱، ج ۲، بیروت: دارالتراث، ۱۳۸۲-۱۳۸۷.
۹۹. قزوینی رازی، نصیرالدین ابوالرشید عبدالجلیل؛ *بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض*؛ چاپ میر جلال‌الدین محدث ارموی، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸ ش.
۱۰۰. کشی، محمد بن عمر؛ *رجال*؛ تلخیص محمد بن حسن طوسی و به کوشش حسن مصطفوی؛ مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ش.
۱۰۱. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب؛ *الكافی*؛ به کوشش علی‌اکبر غفاری، ج ۱، ج ۲، ج ۳ و ۸، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۵ ش.

۱۰۲. کوفی اهوازی، حسین بن سعید؛ الزهد؛ به کوشش غلامرضا عرفانیان؛ قم: المطبعة العلمية، ۱۳۹۹ ق.
۱۰۳. لالانی، ارزینا آر؛ نخستین اندیشه‌های شیعی؛ تعلیم امام محمد باقر علیه السلام؛ ترجمه فریدون بدره‌ای؛ تهران: فرزانه روز، ۱۳۸۱ ش.
۱۰۴. مالک بن انس؛ المدونة الكبرى؛ ج ۱، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۳۲۳ ق.
۱۰۵. مامقانی، عبدالله؛ تنقیح المقال فی علم الرجال؛ طبع قدیم به خط احمد بن محمد حسین زنجانی؛ ج ۱، [بی‌جا]، [بی‌نا]، [بی‌تا].
۱۰۶. مجاهد بن جبر مکی مخزومی؛ تفسیر؛ به کوشش عبدالرحمن طاهر بن محمد سورتی؛ ج ۱ و ۲، اسلام آباد: مجمع البحوث الاسلامیة، [بی‌تا].
۱۰۷. مجلسی، محمدباقر؛ الوجیزه فی الرجال؛ به کوشش محمدکاظم رحمان‌ستایش؛ تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۲۰ ق.
۱۰۸. مزنی، جمال‌الدین ابوالحجاج یوسف؛ تهذیب الکمال؛ به کوشش بشار عواد معروف و شعیب الارنؤوط؛ ج ۴ و ۱۲، ج ۳، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۸ و ۱۴۱۳ ق.
۱۰۹. مسلم نیشابوری، ابوالحسین بن حجاج بن مسلم قشیری؛ الجامع الصحیح؛ ج ۱، بیروت: دارالفکر، [بی‌تا].
۱۱۰. معرفت، محمدهادی؛ التفسیر و المفسرون؛ ج ۱، مشهد: الجامعة الرضویة للعلوم الاسلامیة، ۱۴۱۸ ق.
۱۱۱. مفید، ابوعبدالله محمد بن محمد بن نعمان بغدادی؛ الکافئة فی ابطال توبة الخاطئة؛ به کوشش علی‌اکبر زمانی‌نژاد؛ ج ۲، بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۴ ق، «ب».
۱۱۲. _____؛ المزار؛ به کوشش سیدمحمدباقر ابطحی؛ ج ۲، بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۴ ق، «الف».
۱۱۳. _____؛ المقنعة؛ ج ۲، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۱۱۴. _____؛ الاختصاص؛ به کوشش علی‌اکبر غفاری و سیدمحمد زرنندی؛ ج ۲، بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۴ ق.
۱۱۵. مکارم شیرازی، ناصر؛ القواعد الفقهیة؛ ج ۱، ج ۳، قم: مدرسة الامام امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۴۱۱ ق.
۱۱۶. منقری، نصر بن مزاحم؛ وقعة صفین؛ به کوشش عبدالسلام محمد هارون، ج ۲، قاهره:

- المؤسسة العربية الحديثة، ۱۳۸۲ و قم: منشورات مكتبة آيت الله العظمى المرعشي النجفي، ۱۴۰۳ ق، (چاپ افست).
۱۱۷. موحد ابطحي، سيد محمد علي؛ تهذيب المقال في تنقيح كتاب الرجال؛ ج ۵، قم: سيد محمد موحد ابطحي، ۱۴۱۷ ق.
۱۱۸. موسوی خوئی، سيد ابوالقاسم؛ معجم رجال الحديث؛ ج ۴، ج ۵، [بی‌جا]، [بی‌تا]، ۱۴۱۳ ق.
۱۱۹. نائینی، محمد حسین غروی؛ كتاب الصلاة؛ به كوشش محمد علی كاظمی؛ ج ۱، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۱۲۰. نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی؛ الرجال؛ ج ۵، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ ق.
۱۲۱. نجفی، محمد حسن؛ جواهر الكلام في شرح شرائع الاسلام؛ به كوشش عباس قوچانی و ديگران؛ ج ۴، ۱۰ و ۳۰، ج ۳، تهران: دارالكتب الاسلامية، ۱۳۶۷ ش.
۱۲۲. نعمانی، محمد بن ابراهيم؛ الغيبة؛ به كوشش فارس حسون كريم؛ قم: انوار الهدی، ۱۴۲۲ ق.
۱۲۳. نوری طبرسی، حسین؛ خاتمة مستدرک الوسائل؛ ج ۴، قم: مؤسسة آل البيت (عليه السلام) لاحیاء التراث، ۱۴۱۶ ق.
۱۲۴. _____؛ مستدرک الوسائل؛ ج ۱، بيروت: مؤسسة آل البيت (عليه السلام) لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ ق.
۱۲۵. نیشابوری کرایسی، ابو احمد حاکم کبیر محمد بن محمد بن احمد بن اسحاق؛ شعار اصحاب الحديث؛ به كوشش عبدالعزيز بن محمد سرحان؛ كويت: دارالخلفاء، بيروت: دارالبشائر الاسلامية، ۱۴۰۵ ق (چاپ مجدد).
۱۲۶. نیلی نجفی، سيد بهاء الدين علي بن عبدالكريم بن عبدالحميد حسيني؛ سرور اهل الايمان في علامات ظهور صاحب الزمان عجل الله فرجه الشريف؛ به كوشش قيس عطار، قم: دليل ما، ۱۴۲۶ ق.
۱۲۷. همدانی، رضا؛ مصباح الفقيه؛ ج ۱ و ۲، تهران: مكتبة الصدر و مكتبة النجاح، [بی‌تا] (چاپ سنگی).
۱۲۸. هیثمی، نورالدين علي بن ابی بكر؛ بغية الباحث عن زوائد المسند الحارث؛ به كوشش مسعد عبدالحميد محمد سعدني؛ قاهره: دارالطلائع، [بی‌تا].
۱۲۹. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن واضح؛ تاريخ؛ بيروت: دار صادر، [بی‌تا] و قم: مؤسسه نشر فرهنگ اهل بيت (عليه السلام)، [بی‌تا]. (چاپ افست).

130. Bellamy, James A.; "Sources of Ibn Abi 'l Dunya's Kitab Maqṭal Amir Al-mu'minin 'Ali", Journal of the American Oriental Society, Vol 104. No1. 1984.
131. Halm, Heinz; Shi'ism; translated by Janet Watson & Marian Hill, Second Edition, Edinburgh: Edinburgh University Press, 4002.
132. Jafri, S. Husain M.; The Origins and Early Development of Shi'a Islam; London and New York: Longman, 1891.
133. Kohlberg, Belief and Law in Imami Shi'ism, London: Aldershot, Variorum, 1991.
134. Kohlberg, Etan; "Al-'Us?l Al-'Arba'umi'a"; Jerusalem Studies in Arabic and Islam, Vol.7891 ,01.
135. Madelung, W.; " DJABIR AL-DJU'FI"; EI2, Supplement, pp. 232-233, 1980.
136. Modarressi, Hossein; Tradition and Survival a bibliographical survey of early Shi'ite literature; Oxford: One World 3002.